

حملهٔ پاکستان است یا نیرنگ امریکا؟

امپریالست های اروپائی و امریکائی در دامی که برای دیگران در اروپا، شرق میانه، افغانستان و سائر نقاط جهان کار گذاشته بودند اینک خودشان گیر مانده اند ناتوانی و در مانده گی شان در اروپا و دفاع از اوکراین در مقابل امپریالسم روس و متحدینش، در شرق میانه ناتوانی و درمانده گی در مهار کردن آتش جنگی که خودشان آفروختند، در افغانستان ناتوانی و درمانده گی در اعمال کنترل بر طالبانی که خود پرورانده و به قدرت رسانده اند، سه محور اساسی است که در رابطه با آنها امپریالسم جهانی در مجموع به دو گروه متخاصم تقسیم و در مقابل هم دیگر قرار گرفته اند و هر کدام میخواهند که مسیر پیشرفت و

آینده جهان را طبق میل و خواست های خودشان رقم بزنند و یا حداقل در تفاهم با هم به تشدید غارت، سرکوب، اشغال، ستمگری بر پرولتاریا و خلق های کشور های خود و مستعمرات شان از طریق ادامه و راه اندازی جنگ های غارت گرانه امپریالستی و استعماری شان بپردازند. البته این خواست امپریالست ها، اشغال گران، جنگ افروزان، استعمار گران و ستم گران است ولی برعکس خواست پرولتاریا، زحمت کشان، مستعمرات و خلق های جهان استقلال و آزادی شان است. در حقیقت در مجموع این دو خواست است که در مقابل هم دیگر صف آرایی نموده اند. جهت شناخت و درک وضعیتی که هم اکنون جهان با آن روبرو است لازم می آید تا وضعیت در سه محور فوق را مختصراً به بررسی بگیریم.

➤ **اروپا:** امپریالیست های امریکایی و اروپایی که روسیه امپریالستی را در جنگ تجاوز کارانه و اشغال گرانه اش در افغانستان شکست خورده، ذلیل و از هم پاشیده یافته بودند پیشروی به قلمرو سابق آن را در اروپا ادامه داده و علاوه بر راه اندازی و پشتیبانی از شورش های داخلی آن، تعدادی از کشورهای بلوک شوروی سابقه را عضو ناتو ساختند به جلب و جذب تعدادی جمهوری های سابق شوروی ادامه دادند، امپریالسم روس که در حالت ورشکسته گی سختی قرار داشت، در زمینه اشغال افغانستان توسط امپریالست های امریکایی و اروپایی همکاری همه جانبه با آن ها داشت که طی آن توانست از یک طرف دست به بازسازی همه جانبه خود بزند و از طرف دیگر توانست که طی مدتی نسبتاً کوتاهی با برپایی یک اتحاد سه گانه بین امپریالسم روس، ایران و سوریه در مقابل توطیه های امپریالست های امریکایی و اروپایی که قصد براندازی دولت سوریه را داشتند، چنان استاده گی نماید که نه تنها توانست مدت ده (10) سال یکپارچه گی سوریه را حفظ و رژیم اسد را سر پا نگهدارد بلکه حتی همین اکنون با آن توافقاتی که با رژیم اسد داشت احمد الشحر هم با آنها موافقه نموده است. البته درست پس از آن بود که امپریالست های امریکایی و اروپایی پروسه جلب جذب و کشاندن تعدادی از کشورهای بلوک شوروی و تعدادی از جمهوریت های جدا شده از آن را به ناتو تسریع بخشیدند تا امپریالسم روس را دوباره زمین گیر و متلاشی نمایند اما طوریکه معلوم میشود ورق کاملاً برگشته است آن چه را که حمله امپریالسم روس در اوکراین به نمایش گذاشته است در مانده گی، بیچاره گی و زمین گیر شدن امپریالست های امریکایی و اروپایی و ناتو میباشد بدین ترتیب امپریالست های امریکایی، اروپایی و ناتو که میخواستند از یک طرف امپریالسم روس را در باتلاق جنگ اوکراین در اروپا غرق و زمین گیر

کنند و از طرف دیگر به اشغال شرق میانه و از آن طریق به پیشروی به آسیای میانه، هند، چین و سایر نقاط مورد علاقه شان ادامه داده و نا امنی و شورش را در تمام نقاط مذکور گسترش دهند، خودشان بیچاره، درمانده و زمینگیر شدند، حال ببینیم که در شرق میانه چه میگذرد.

► **شرق میانه:** امپریالست های امریکایی و اروپایی و صهیونیست ها که از دیر زمانی به این طرف با راه اندازی قتل کشتار و جنگ های خانمانسوز و غارت گرانه در سوریه، لبنان، فلسطین، یمن، عراق، ایران و سایر نقاط آن، تمام منطقه را به آتش کشیدند تا از یک طرف منطقه و منابع انرژی آن را کاملاً اشغال نمایند و از طرف دیگر از این طریق راه پیشروی شان را به طرف آسیای میانه، هند، چین و سایر نقاط مورد علاقه شان و نا امن سازی آن ها باز نمایند ولی طوری که دیده میشود در اینجا هم ورق کاملاً برگشته است، حملات وحشیانه، تجاوزکارانه و اشغال گرانه صهیونیست ها به پشتیبانی همه جانبه امپریالست های امریکایی و اروپایی و بلاخره حمله مستقیم آخر آن ها به ایران در حالیکه مذاکرات بین آن ها در جریان بود نه تنها منجر به شکست مفتضحانه آن ها گردید بلکه از یک طرف زبونی، درمانده گی و بیچاره گی تاریخی آن ها را به نمایش گذاشت و از طرف دیگر راه رسیدن آن ها را به آسیای میانه، هند، چین و سایر نقاط مورد علاقه شان دشوار و ناممکن گردانید بناء دست به ابتکاری دیگری زدند؛ به دست آوردن بگرام و تشدید تمرکز به محور افغانستان.

► **افغانستان:** امپریالست های اروپایی و امریکایی با ناتوانی و شکست های

غیر منتظره که در اروپا و شرق میانه با آن روبرو گردیده اند اینک می خواهند با اشغال مستقیم دوباره افغانستان، راه خروج از بن بست را برای خود شان بدست آورند از اینجاست که امپریالسم امریکا خواستار بازگشت به بگرام گردید تا از یک طرف موانع موجود بر سر راهی را شناسایی و رفع نمایند که مانع رسیدن به اهداف شان گردیده است و از طرف دیگر پروسه نا امن سازی هند، چین، آسیای میانه، ایران و سایر نقاط مورد نظر شان را تسریع نمایند زیرا بنا بر گزارش رسانه های بین المللی به تعداد بیش از بیست دو (22) گروه و نهاد تروریستی زیر چتر طالبان در افغانستان جابجا گردیده اند و هفته وار مبلغ بیش از چهل میلیون (40000000) دلار امریکایی برای آنها ارسال میشود و آن چه که مخفیانه و بدون گزارش دریافت میکنند ولی ابلاغ نمی شود بجای خودش باشد اما طوریکه دیده میشود فعالیت چهار ساله این گروه ها و نهاد ها تا هنوز نه تنها کدام نتیجه ملموسی به بار نیاورده است و یا به گفته خلیل زاد نماینده امپریالسم امریکا «بذری را که افشانده اند طی این مدت هنوز به بار نه نشسته است» یا به عبارت دیگر نه تنها شورش، نا امنی و بی ثباتی در هند، چین، آسیای میانه، روس و ایران آن طوری که انتظار میرفت شکل نگرفته است بلکه همنوایی و همکاری های همه جانبه ای بین طالبان و آنها در حال شکل گیری و توسعه میباشد که این خود آتش هستی سوز دیگری است که تمام برنامه های امپریالست های امریکائی و اروپائی و سایر متحدین شان را به باد فنا خواهد داد از اینجاست که امپریالست های امریکایی و اروپایی و سایر متحدین شان از طریق پاکستان وارد عمل شدند تا از یک طرف دست به سرکوب نظامی طالبان بزنند، آن ها را به گروه های مختلف و متخاصم تقسیم بندی و به جان همدیگر بیندازند، پروژه تبدیل نمودن افغانستان را به مرکز بین المللی آموزش

، پرورش و صدور تروریزم که در حال فراموشی است دو باره احیا و فعال نماید ، با بیش از بیست دو (22) گروه تروریستی که طی این مدت نتوانستند وظایف شان را که قبلا ذکر گردید به نحو احسن به انجام برسانند ، تسویه حساب نمایند و با وساطت سایر مزدوران منطقه یی شان از قبیل قطر ، عربستان ، ترکیه و غیره اداره و کنترل وضعیت را دوباره به دست آورند . حال سوال اینست که آیا پاکستان میتواند چنین مرکوب دل خواهی باشد یا به عبارت دیگر بار وظایف سنگینی را که امپریالست های امریکایی و اروپایی زیر فشار وزن آن زانو زده و به گل نشسته اند پاکستان و سایر متحدین شان میتوانند به این راحتی به دوش بکشند ، برای پرداختن به این پرسش اولاً "

باید دید که وضعیت اقتصادی ، سیاسی و نظامی پاکستان از چه قرار است .

➤ وضعیت اقتصادی : به همگان واضح و روشن است که اقتصاد پاکستان زیر

بار قروض کمر شکن امپریالست های امریکایی ، چینیایی و سایر کشور ها و نهاد ها چنان کمر خم کرده است که در حال حاضر مجال نفس کشیدن و قد راست کردن را ندارد و تشدید فقر همگانی ، تشدید بیکاری ، تشدید روز افزون تورم سر سام آور همه بی داد میکنند و همه این ها بر وابسته گی بیش از پیش پاکستان بر امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان می افزاید . بخصوص رقابت و کشمکشی که بین امپریالست های امریکایی ، اروپایی ، چینی و سایر کشور های منطقه رو به تشدید میرود بر وضعیت شکننده اقتصاد ورشکسته پاکستان اثرات منفی قابل ملاحظه ای خواهد گذاشت و پاکستان نمیتواند وضعیت موجوده را حفظ و تحمل نماید به ناچار یا کاملاً " بر امپریالیست های امریکایی ، اروپائی و سایر متحدین شان خواهد پیوست و در رویارویی با کشور های منطقه قرار خواهد گرفت و یا برعکس آن به کشور های منطقه خواهد پیوست و در رویارویی با

امپریالست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان قرار خواهد گرفت که در هر دو حالت تبعات و پیامد های آن برای پاکستان کاملاً دردناک شکننده و جبران ناپذیر خواهد بود و پاکستان چه بخواد و یا هم نخواهد آنچه را که کشته است درو میکند . وضعیت سیاسی شکننده آنرا بیش از پیش انفجاری ، متلاطم و دگرگون خواهد کرد

➤ **وضعیت سیاسی : پاکستان** از لحاظ سیاسی در صوبه بلوچستان از سال ها به اینطرف به ارتش آزادی بخش بلوچ مواجه است که بر ضد دولت پاکستان می جنگند ، نه تنها عملیات های جنگی پیچیده و گسترده یی را انجام می دهند بلکه طی سالهای اخیر برشدوپیشرفت چشم گیری هم دست یافته اند که دولت نظامی پاکستان را سخت ناتوان و درمانده کرده اند و به همین ترتیب در صوبه سرحد نیز از مدت های طولانی با تحریک طالبان روبرو است که آن ها هم مسلحانه علیه حاکمیت ستمگر پاکستان می جنگند و عملیات های پیچیده و مرگ باری را انجام میدهند و همین طور در صوبه سند و صوبه پنجاب با گروه های دیگری روبرو میباشد و تازه میخواهد که جبهه دیگری را در افغانستان بر روی خود باز نماید ، چه قلدری بزرگی ؟ ، از توسعه و پیشرفت این جبهات جنگی به سوی سند و پنجاب که در حال گسترش است هیچ دلهره ای ندارند و فکر میکنند که وضعیت سیاسی پاکستان از بدو تشکیل آن تا کنون چنین ثبات سیاسی را به خود ندیده باشد در حالیکه همه این ها میرسانند که اوضاع سیاسی پاکستان از بدو تشکیل آن تا کنون به این اندازه شکننده و انفجاری نبوده است فقر ، بیکاری ، تورم ، ظلم و ستم بیداد میکنند ولی مقامات میخواهند که اوضاع انفجاری سیاسی داخلی را که درحال فوران است ، با سرکوب نظامی کتر ول کنند ، حال بوضعیت نظامی اش توجه کنید

➤ **وضعیت نظامی :** از لحاظ نظامی بزرگترین ، مجهزترین و نیرومند ترین اردوی منطقه به شاگردان و دست پرورده گان خودش هجوم میبرد مناطق شهری و روستایی غیر نظامی در نقاط مختلف افغانستان را مورد حمله قرار میدهد اطفال ، زنان و مردم غیر نظامی را به قتل میرساند بعداً همه مناطق را مناطق نظامی پایگایی و همه کشته شده گان را مخالفین مسلح خود اعلام میکند از این طریق میخواهد درمانده گی زبونی و تلفاتی را که در اثر حمله متقابل شاگردانش به پایگاه های نظامی و سربازان شان وارد گردیده ، را پرده پوشی نماید و خجالت زده و در مانده مذاکرات آتش بس را هم در قطر تحت سرپرستی و رهبری استخبارات قطر ، عربستان و امریکا بر گزار مینماید و بقیه مسایل را هم در ترکیه حل میکند و نتایج مذاکرات هم مخفی حفظ میشود این خود میرساند که چنین اردوئی با چنین اوصافی هرگز راهی به جائی نخواهد برد زیرا از یک طرف در مسیری گام گذاشته است که بزرگترین و مجهز ترین اردو های فعلی جهان اعم از امپریالیسم روس و متحدینش با اضافه امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان در این مسیر به گل نشسته اند و از طرف دیگر کشور های منطقه به خصوص هند ، روس ، و ایران فعالیت های تخریباتی گذشته پاکستان و فعالیت فعلی آن را جهت فراهم سازی زمینه بازگشت امپریالیست های امریکایی ، اروپایی ، و سایر متحدین شان به افغانستان از طریق دامن زدن به نا امنی منطقه را بی جواب نخواهند گذاشت ، گذشته از همه این ها باچنان مقاومت مسلحانه داخلی رو به گسترش مواجه میباشد که در گذشته حتی امپریالیستهای آمریکائی، اروپائی و ناتو هم از سرکوبی و درهم شکستن آنها عاجز و ناتوان بودند .

نتیجه گیری : با در نظر داشت آنچه که تو ضیح گردید پاکستان از هیچ لحاظ در

موقعیتی قرار ندارد که به افغانستان حمله کند و یا به عبارت ساده حمله پاکستان به افغانستان در شرایط کنونی به معنای خود کشی پاکستان است پس چرا چنین حمله از طرف پاکستان با چنین جرأتی صورت گرفته است ؟

زیرا تجاوز پاکستان به کشور افغانستان بخشی از یک برنامه وسیع تجاوز و بازگشت دوباره

امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان به افغانستان میباید که اندکی قبل از آن امریکا خواستار بازگشت دوباره به بگرام گردید تا بذر های آفشاده شده قبلی شان (به گفته خلیل زاد که طی این مدت به بار نه نشسته اند) را بارور سازند ، همه را پاسخ گو و فعال سازند زیرا فعالیتهای ملموسی از آن ها به مشاهده نمیرسد وقتی که چنین خواستی با بی توجهی مقامات طالبان مواجه گردید در نتیجه درخواست شان را دوباره در لفافه تجاوز نظامی پاکستان و شاید هم از طریق قطر ، عربستان و ترکیه و هم چنین نمائنده گان نامرئی خودشان برای طالبان ارسال نمودند که البته این خود تهدید بزرگی است نه تنها برای طالبان بلکه تهدید بزرگی برای منطقه و جهان نیز میباشد زیرا این کاملاً واضح است که طالبان به تنهایی توان تکرار پاسخ منفی به چنین درخواستی را ندارند بناً دو انتخاب پیش روی خود دارند یا کاملاً تسلیمی بدون قید و شرط شان را بپذیرند که در این صورت پاکستان به مرکز توجه و قدرت نمایی امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان تبدیل خواهد شد و افغانستان هم به مرکز بین المللی آموزش ، پرورش و صدور تروریسم . که بعید است کشور های منطقه چنین چیزی را بپذیرند و یا در قبال آن بی تفاوت بمانند زیرا پذیرش چنین امری به معنی پذیرش نابودی خودشان نیز خواهد بود پس به سنگر مطمئنی به دفاع از افغانستان تبدیل خواهند شد که در این صورت همانطوری که امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان به زبان حمله تجاوز کارانه نظامیان پاکستان به کشور ما خواست

شان را دوباره تکرار نموده اند افغانستان هم میتواند که اقدام بالمثل نموده خواست خود را در وحدت با خواست کشور های منطقه : چین ، هند ، روسیه ، آسیای میانه و ایران که همگی شان مخالف حضور نظامی آمریکائی ها و اروپائی ها در افغانستان اند ، از جانب خود با متانت تمام برای آن ها جواب نمایند که در این صورت پاکستان به مرکبه های متشکله

خود دوباره تجزیه خواهد شد زیرا امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان که در جنگ های اوکراین و شرق میانه درمانده و زمین گیر گردیده اند توان بازگشایی دوباره یک جبهه تازه در افغانستان و دفاع از پاکستان را نخواهند داشت به اضافه این که امپریالیست های امریکایی ، اروپایی و سایر متحدین شان در رویارویی شدید با کشور های امریکای لاتین : برازیل ، ونزوئلا ، مکسیکو ، پاناما ، کولمبیا و سایر نقاط جهان از جمله ایران ، عراق ، یمن و غیره قرار دارند و مهم تر از همه اینها با پرولتاریا و سایر زحمت کشان کشور و مردم خود شان هم روبرو اند بنابراین امپریالیست ها در مجموع در سر تا سر جهان در طوفانی از آتش جنگ و دود غضب و انتقام که خودشان بر ضد بشریت بر پا کرده اند ، گیر نموده اند که سر نوشتی جز نابودی شان و همراه با آن ها نابودی نظام استعماری امپریالیستی چیزی دیگری را در پی نخواهد داشت و این خود میرساند که نه تنها افغانستان بلکه تمام بشریت در آستانه انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی و رهایی بخش دیموکراتیک نوین قرار گرفته اند و برای اینکه پرولتاریا و خلق های جهان این پروسه عظیم و تاریخی را موفقانه آغاز و به انجام برسانند لازم و ضروری است تا احزاب ، گروه ها و سازمان های «م.ل.م» خودشان را داشته باشند و یا هم اگر نیست آن را بسازند همانطوریکه بورژوازی تحت رهبری ایدلوژیک خود همه چیز را رقم می زند پرولتاریا و سایر خلق های جهان هم باید تحت رهبری ایدلوژیک پرولتاریائی همه چیز را رقم بزنند . ما هم به نوبه خود تلاش مانراچندین برابرخواهیم کرد تا با تمام اشخاص ،

سپیده دم 5

گروه ها ، سازمان ها و احزاب «م.ل.م» کشورمان در زمینه تامین وحدت اصولی م / ل / م همکاری همه جانبه نمائیم تا بتوانیم هر چه زودتر رهبری ایدلوثیک پرولتاریا یی بر مقاومت های پراکنده و خود سرانه مردم ستم دیده و عذاب کشیده مان را که عملاً زیر رهبری ایدلوثیک بورژوازی صورت میگیرد و قاعده تا بجائی نمیرسد ، تامین نمائیم و امید داریم بتوانیم که در این زمینه با سائر «م.ل.م» های کشورمان همکاری های مؤثری را برقرار نمائیم تا از یک طرف بتوانیم سهم خویش را در پیروزی انقلاب ملی دموکراتیک نوین فعلی و سوسیالیستی آینده کشور به درستی به انجام برسانیم و از طرف دیگر درس تاریخی بزرگی به امپریالیست ها ، اشغال گران و جنگ افروزان داده باشیم .

سپیده دم : 5

گروه : «م.ل.م» افغانستان

تاریخ : 1404\8\2

